

نگاهی به کتاب جهان نمای جدید و سهم آن در شناخت ایرانیان از اوضاع کشورهای اروپایی

دکتر عباس هاشم زاده محمدیه^۱

منصوره جعفریان سی سخت^۲

چکیده

برای شناخت سایر کشورها برگردان یکی از ابزار مهمی است که گاه به یاری کنکاش‌گران تاریخ و جغرافیای ملل مختلف می‌شتابد. در زمان قاجار با تلاش برخی از ایرانیان برگردان کتاب‌ها و نوشتارهای اروپایی زیر نظر گروهی از کارآزمودگان آغاز گردید. برگردان این آثار برجسته می‌توانست در پیشبرد شناخت اروپا برای مردم ایران، نقشی بسزا داشته باشد. یکی از اقداماتی که در این عصر دارای نمودی ویژه است، گردآوری کتابی تحت عنوان جهان نمای جدید بود که بعد از سفارت امیرکبیر به ارزنة‌الروم از برگردان کتاب‌های تاریخ و جغرافیای اروپا گردآوری شد و به گسترش شناخت ایرانیان از اروپا کمک کرد. در این نوشتار تلاش بر این است که سهم این کتاب در زمینه آگاهی دادن به ایرانیان روشن گردد.

کلید واژه: جهان نمای جدید، حکومت قاجار، شناخت ایرانیان، کشورهای اروپایی.

^۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه یزد

^۲ کارشناس ارشد ایران‌شناسی Jafariansisakht@gmail.com

مقدمه

یکی از روش‌های رایج برای شناخت هر کشور، مطالعه آثار مرتبط با فرهنگ، ادب، تاریخ و جغرافیای آن است. در زمان قاجار نیز حرکتی فرهنگی صورت گرفت تا در راستای کسب این شناخت از یکی از روش‌های اساسی یعنی برگردان اقدام شود. بدین سان برگردان کتاب‌ها و روزنامه‌های اروپایی بدست ایرانیانی که یا به آن کشورها مسافرت می‌کردند و یا با زبان ایشان آشنایی داشتند آغاز شد.

نخستین کتاب‌هایی که برگردان شد، بیشتر متون «نظامی»، «تاریخی»، «جغرافیایی»، «درسی» و «سفرنامه»ها را در بر می‌گرفت.^۱ البته در اوج آنها کتاب‌های تاریخی فرانسه و انگلیس قرار داشت. آنها همزمان با ترجمه، با پایه‌گذاری چاپخانه‌های «حروفی و سنگی» در تبریز و تهران آن آثار را چاپ می‌کردند.^۲

در زمینه برگردان، یکی از اقدامات جمع‌آوری و برگردان کتاب‌ها و نوشتارهایی بود که از اروپا گرفته می‌شد. از جمله برگردان نوشتارهایی از دانشنامه «بریتانیکا» و کتاب‌هایی درباره تاریخ اروپا آغاز شد. کتاب‌هایی چون تاریخ تنزل و خرابی دولت روم، تاریخ پطرس کبیر و شارل دوازدهم و تاریخ اسکندر در این حرکت فرهنگی در اختیار ایرانیان قرار گرفتند. عباس میرزا با این کار قصد داشت اصول اروپایی را برای پیشرفت ممالک آنها بفهمد و همان اتفاق هم تا زمانی که زنده بود رخ داد.^۳ شاه و بیشتر رجال ایرانی از این مسئله غافل بودند که اروپاییان با چه تلاشی سعی در شناخت تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و بیشتر ادبیات داشتند و حاضر به پذیرش رنج‌هایی در این راه شدند. گاه نیز خدمات ارزنده‌ای در نگهداشت و پاسداشت میراث این سرزمین انجام دادند. با این حال ایرانیان نه تنها تلاشی برای شناخت و نگهداشت میراث خود انجام نداد، که حاضر نبودند با شناخت دیگر کشورهای پی به روش و اصول تحولاتی آنها برای پیشرفت این کشور واپس مانده ببرند.

تا آن جا در برخی از سفرنامه‌های این دوره نیز به این مطلب اشاره رفته است که نویسندگان برخی از آثار اروپایی را در اختیار داشته که برای نگارش سفرنامه‌ها از آنها بهره برده‌اند. برای نمونه میرزا صالح در گزارش سفر خود در مورد ملاقات خود و میرزا جعفر با «میس سندموور» (Miss Sandmoor) می‌نویسد، از آنجا که وی نویسنده بوده، یکی از آثار خود را به افرادی که به دیدن وی می‌رفتند، هدیه می‌دهد. در این ملاقات نیز «بعد از مکالمه بسیاری چند جلد کتاب

تصنیف کرده بود به تفصیل آنرا به ماها نمود که هر کدام را پسند کنیم، هر کدام از ما به رسم یادگار کتابی از تصنیفات او برداشته...»^۴

شیرازی در جایی دیگر به این مطلب اشاره می‌کند که در نگارش سفرنامه خود از کتاب‌های اروپایی استفاده می‌کند. «و آنچه از تواریخ انگلند در عهد پادشاه هذه العصر در خصوص ینگی دنیا روی داده بود نوشته، امید آنست که مورد ذکر خیری گردد.»^۵

میرزا صالح که در لندن زبان فرانسه را نزد مستر بالفور آموخته بود «در اوقات فراغت بعضی از تواریخ روم و گریک و روس و ترکی و ایران و داستانها به زبان انگریزی خوانده» و در نگارش اثر خویش استفاده می‌کرد.^۶

شیرازی حتی با استفاده از منابعی که در اختیار داشته و به خاطر آموختن زبان انگلیسی می‌توانسته به بهترین نحو از آثار انگلیسی استفاده نموده و شرحی کوتاه از تاریخ انگلستان را در اختیار خوانندگان قرار دهد. تاریخ به تخت نشستن سلاطین، رخدادهای مهم هر دوره و غیره از جمله آن مطالب است. در واقع وی سالشماری از تاریخ کشور انگلستان را تدوین نموده است. هدف وی از این کار بر اساس گفته خود «طریق ترقی اینولا بوده نه تاریخ پادشاهان.»^۷

میرزا مصطفی افشار نویسنده سفرنامه خسرو میرزا نیز در بخشی از کتاب به چنین مواردی اشاره دارد. در جایی می‌نویسد که آجودانباشی مسکو کتابی به خسرو میرزا می‌دهد که درباره مسکو است و شاهزاده هم آن را مطالعه می‌کند.^۸

میرزا در بخشی دیگر در اشاره به مدرسه علوم سن پترزبورگ و اتاقی که سکه‌های قدیمی در آن نگهداری می‌شود می‌نویسد: «در کتابی موبوب نوشته‌اند که فهرست آن موافق اعدادی است که پهلوی سکه‌ها قلمی شده و تواریخ پادشاهان گذشته را از روی آنها تصحیح می‌نمایند.» این مطلب نشان می‌دهد که وی توانسته به برخی از منابع اروپایی دسترسی داشته باشد و این آگاهی را از آنها بدست آورده است.^۹

در دوره زمامداری محمد شاه قاجار نیز در زمینه برگردان آثار اروپایی اقداماتی انجام شد. در این دوره، روزنامه‌هایی به زبان‌های «عربی، ترکی و فرانسوی» در اختیار ایرانیان قرار گرفت که حتی به خواست شاه مطالبی را برگردان و در اختیار خود او قرار می‌دادند. «کنسول فرانسه در طرابوزان» نیز روزنامه‌ای به نام «ژورنال دوبا» (Journal des Debats) را به پایتخت می‌فرستاد.^{۱۰}

بعد از عباس میرزا، امیر کبیر راه وی را ادامه داد و یکی از بهترین دوره‌ها در حوزه فرهنگی شناخت اروپا شکل گرفت. اگرچه بیشتر دوران فعالیت امیر کبیر در زمان ناصرالدین شده سپری شد، با وجود این، در زمان فتحعلی شاه و محمد شاه نیز اقداماتی سیاسی و فرهنگی توسط او انجام شد. در نخستین سال‌های فعالیت سیاسی امیر کبیر، کتاب‌های چندی برگردان شد. در این زمینه به ویژه باید از برگردان کتاب‌هایی پیرامون تاریخ، سیاست، اقتصاد و جغرافیای جهان توسط «ژان داود» یاد کرد. این یکی دیگر از اقدامات اساسی برای شناخت کشورهای اروپایی بود.^{۱۱}

یکی دیگر از اقدامات فرهنگی که در دوره امیر کبیر صورت گرفت، گردآوری روزنامه‌هایی از کشورهای «فرانسه، انگلیس، روس، اتریش، عثمانی و هندوستان» بود که «برجیس» (Berjis) نامی برگردان و «میرزا عبدا... ترجمه نویس» آن را به نگارش در می‌آورد، تا در اختیار مردم قرار بگیرد. این کار تأثیری اساسی بر اذهان مردم می‌گذاشت.^{۱۲}

جهان‌نمای جدید

در کنار اقداماتی که از آنها سخن رانندیم، باید از اساسی‌ترین اقدام امیر کبیر در این زمینه یعنی دستور به تدوین کتابی به نام جهان‌نمای جدید یاد کرد. این کتاب که در زمان سفارت او در ارزنة الروم به دستور وی گردآوری شد، نتیجه برگردان آثار ترکی بود که خود این آثار منشأی فرانسوی داشت و در سال ۱۲۶۱ ه ق به صدر اعظم وقت یعنی حاجی آقاسی اهدا گردید.^{۱۳}

کتاب فوق که در دو جلد تدوین شد، نخستین کتاب به زبان فارسی است که حاوی دانشی کلی و مفید از کشورهای قاره‌های مختلف و نیز «جزایر دور افتاده اقیانوس‌ها» بود.^{۱۴}

در آغاز کتاب به سفارت امیر کبیر در ارزنة الروم اشاره شده که در آنجا امیر دستور گردآوری این کتاب را داده و چون منابع اروپایی بود توسط ژان داود برگردان شد و محمد حسین فراهانی آن را به نگارش در آورد. به این مطالب نیز اشاره می‌شود که چون «جهان‌نما نویسان» دنیا را به پنج قاره تقسیم کرده‌اند، در این کتاب نیز طبق همین تقسیم بندی مطالب را به نگارش در آورده‌اند.

بر روی جلد آن چنین نوشته شده «جهان‌نمای میرزا محمد حسین فراهانی که از روی ترجمه ژان داود مترجم نوشته است» و رضا قلی «محرر» کتاب پایان نگارش را تاریخ ۱۸ ذی الحجه سال ۱۲۷۳ ه ق در دوره ناصرالدین شاه قاجار ذکر کرده است. هم‌اکنون دو نسخه از این کتاب در کتابخانه ملی تهران موجود است.

جغرافیا، تاریخ، ویژگی‌های شهری و امور مملکتی از جمله مواردی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا و «آسیانی» [Asii یا Asiani عنوان مردمان کهن بیابان گردی از آسیای مرکزی است که حدود ۱۳۰ پ. م، به فرمان روایی یونانی بر باکتریا (Bactria) پایان دادند.] پنج «مقصد»ی است که مورد پژوهش قرار گرفته و نکات درنگ کردنی درباره کشورهای واقع در این قاره‌ها ذکر شده است.

کتاب جهان نما با نگاهی همه جانبه به دیگر کشورها سعی بر آن داشته تا از تاریخ و جغرافیای آنها در کنار دیگر موارد مهم چون مملکت‌داری در آگاهی مردم ایران نقشی کارساز داشته باشد. کتاب همچنین حاوی دانشی درباره مراکز آموزشی و شمار تحصیل کردگان کشورهای اروپایی است. آگاهی‌های موجود از اروپا در این کتاب، بعدها در زندگی سیاسی- علمی امیر نقش بسزایی ایفا نمود و باعث شد تا دارالفنون را با تلاش خویش پایه گذارده و نخستین گام را برای دانشگاهی کردن علوم در ایران بردارد.

همان گونه که پیشتر بیان کردیم آسیا نیز به عنوان یکی از قاره‌ها در جهان نما مورد مطالعه قرار گرفته است. یکی از کشورهای آسیایی که نخست از آن سخن رانده می‌شود عربستان است. از آنجا که عربستان به عنوان مرکز نشر دین اسلام شناخته می‌شود، در این کتاب درباره آن و همچنین با نگاه ویژه‌ای، آیات و روایت‌های دینی بیان شده است. گاه نیز به رویدادهای تاریخی- اسلامی اشاره می‌شود.

«در روز جمعه که در آن زمان بلسان اهل عصر عروبه میگفتند حضرت ابراهیم خلیل الرحمن قوم خود را جمع کرده بعد از ادای حمد و ثنای حقتعالی با ایشان بدینمضمون خطاب فرمود که روز روشن است و شب تاریک زمین بستر و آسمان سقف و کوهها میخهای زمین و ستارگان دلایل راهها خانه کعبه پیش شماست در محافظت حرم بکوشید و کعبه را آرایش نمایید و ملازمت این بقعه شریفه کنید که روزی باشد پیغمبری در آنجا مبعوث شود محمد نام صلی الله علیه و آله که خبرها را شب دهد و شان حرم عظیم شود...»^{۱۵}

در ادامه هم تاریخچه‌ای کوتاه از رویدادهای عصر پیامبر بیان می‌شود. در جایی دیگر از زبان یکی از مسافران انگلیسی درباره جدّه می‌نویسد: «موسیور وُپل نام سیّاح انگریز رفته و سیاحت تمام کرده این شهر را بهترین بلدان واقعه در سواحل بحر احمر تعریف کرده و متوطنان آن تا بچهل هزار نفر

دیده شده و این شهر بندریست که از جانب دریا از برای مکه مکرمه گویی مانند دریست و روبدریا تعبیه‌های بسیار محکم و سخت دارد که نهایت متانت و حصونت در آن مشاهده می‌شود...»^{۱۶} در بخشی دیگر هم به این امر اشاره شده که دو مسافر اروپایی به نام‌های «موسیو دل‌بورد» (Mosio Delabord) و «موسیو لینان» (Mosio Linan) سرزمین حجاز را مشاهده کرده‌اند.^{۱۷} و همین گفته دلیل دیگری برای نشان دادن استفاده نویسندگان جهان نما از ترجمه سایر آثار اروپایی است.

با بیان این متون آشکار شد که جهان نما علاوه بر نگاهی جهانی به کشورها، دیدگاه دینی گردآورندگان را نیز مد نظر داشته و بخشی از رویدادهای تاریخ اسلام را بیان داشته است. هر چند در بخش‌هایی که به آئین مسیحیت مربوط می‌شود از آن دین نیز سخن به میان می‌آید. یکی دیگر از ویژگی‌های کتاب درج مطالبی درباره تاریخ و جغرافیای ایران آن عصر است. تهران، اصفهان، قم، همدان، قزوین، تبریز، اردبیل، کرمانشاه، سنندج، خوزستان، خرم آباد، شیراز، یزد، کرمان، بندرعباس، خراسان از جمله مناطقی در ایران هستند که در این کتاب به آنها اشاراتی رفته است.

طبق نوشته‌های کتاب، ایران آن زمان «طولا از چهل و دو درجه است الی پنجاه و پنج درجه و عرضا از بیست و شش الی سی و نه درجه است حدود ان شمالا محدود است بارمنستان و شیروان متصرفی روس و بحر خزر و ترکستان که عبارت باشد از خانات خیوق و بخارا و شرقا بمملکت هرات و کابل و بلوچستان و جنوبا خلیج عمان و فارس و غربا آسیای متصرفی دولت عثمانی...»^{۱۸} از جمله بناهای تاریخی تهران که در جهان نما شناسانده می‌شود، «مسجد شاه» ساخته عهد فتحعلی شاه، «قورخانه مبارکه» مربوط به زمان محمد شاه و «باغ نگارستان» یادگار دوره فتحعلی شاه است. در کنار آن به صنایع آن دوره تهران هم چون کارخانه‌های «قالی بافی» و «اسلحه سازی» هم اشاره‌ای می‌شود.^{۱۹}

درباره اصفهان هم آمده است: «در وسعت و کثرت جمعیت و خوبی مکانیت و احداث صناعت اول شهر مملکت ایران است جهانرا اگر اصفهانی نبود جهان آفرین را جهانی نبود...»^{۲۰} با این تفاسیر باید جهان نما را به عنوان یکی از منابع پژوهشی برای بررسی اوضاع و شرایط مناطق آن روزگار ایران محسوب کرد که حاوی نکاتی جالب برای پویندگان ایران عصر قاجار می‌باشد.

در ادامه باید به این مطلب اشاره کرد که تاکنون پژوهش‌های جامعی درباره جهان نمای جدید صورت نگرفته است. فریدون آدمیت در کتاب امیر کبیر و ایران و آندرانیک هویان در نوشتار «جهان نمای جدید نخستین اثر فارسی زبان جغرافیای جهان» بسیار کوتاه کتاب فوق را شناسانده اند. هر دوی ایشان کتاب را نخستین جغرافیای فارسی زبان جهان می‌شناسند. این در حالی است که قبل از جهان نما، در کتاب‌هایی چون تحفه الخاقانیه، تحفه العالم و ذیل التحفه، مرآة الأحوال جهان نما، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، حیرت نامه و دلیل السفراء میرزا ابوالحسن خان ایلچی، سفرنامه خسرو میرزا و همچنین سفرنامه رضا قلی میرزا هر چند نه به اندازه جهان نما، ولی از جغرافیای اروپا و برخی کشورهای دیگر سخن رفته است.

به عنوان نمونه سلطان الواعظین در تحفه الخاقانیه درباره کشور آلمان یا «الیمان» چنین می‌نویسد: «طول مملکت الیمان سیصد کرده و عرضش دویست کرده مییاشد دار السلطنه آن وینتیه از شهرهای معموره مشموره عالم مشحون بنفایس و اقمشه کرانبها و مملو به نعمتهای دنیاست و در ارض جدیدی... نیز مملکت بسیاری دارد و پادشاه از قتل نفس بغایت مجتنب و بعدل و داد بنهایت راغب است...»^{۲۱}

شوشتری نیز در سفرنامه خود یعنی، تحفه العالم و ذیل التحفه از پرتغال چنین می‌نویسد: «دیگر جماعت پرتکال که به پرتکش اشتهار دارند. ملکی محقر و سلطنتی پست تر از دیگران دارند و اول کسی که به هندوستان رسید و بر اکثری از بنادر آن استیلا یافت...»^{۲۲}

آقا احمد بهبهانی در جلد دوم کتاب مرآة الأحوال جهان نما از جغرافیای طبیعی کشور انگلستان نکاتی را یادآور می‌شود. اینکه «هوای آن جزیره گاهی سرد و گاهی گرم است، اما هر دو نسبت به دیگر ملکهای شمالی به اعتدال است...»^{۲۳}

در کتاب گزارش سفر میرزا صالح شیرازی به آب و هوای لندن اشاره می‌شود که: «و هوای انگلستان بعلت اینکه جزیره است بیشتر از همه بلا و باران می‌آید و بخصوصه در لندن زیاده از بلاد انگلند باران می‌آید. آنچه در حساب آمده در سالی شش ماه در لندن باران می‌آید... برخی اوقات کره دودی [مه] در لندن گرفته به حدی هوا را تاریک کرده که در روز روشن چراغ ضرور می‌شود.»^{۲۴}

میرزا ابوالحسن خان ایلچی در حیرت نامه درباره جغرافیای انگلستان چنین می‌نویسد: «مخفی و مستور نماناد که انگلستان و اسکاتلند یک جزیره است. چهارصد سال قبل از این بیشترک یا کمترک

که شاه اسکاتلند علیحده بوده است و پادشاه انگلستان به جنگ، ملک او را متصرف [شده] و الحال انگلستان و اسکاتلند و ایرلند که جزیره علیحده ایست مجموع در تصرف شاه انگلیس است.»^{۲۵}

ایلچی در کتاب دلیل السفراء هم درباره مسکو به این نکته اشاره می‌کند که: « پای تخت سلطنت روس قبل از احداث پتربورگ، در آنجا بوده، همچنانکه حال هم هر وقت از اوقات که تغییر پادشاه میشود، باید ابتدا به مسکو رفته، در آنجا تاج سلطنت بر سر گذاشته و به کلیسای بزرگ که در آنجا واقع است رفته، آنوقت بهر جا خواهد برود.»^{۲۶}

یکی از مواردی که در علم جغرافیا به آن پرداخته می‌شود، صناعی است که یک منطقه جغرافیایی تولید می‌کند. آن چه که در مسکو نگاه افشار نویسنده سفرنامه خسرو میرزا را به خود معطوف کرد، دستگاه بخار بود. «و لیکن بسیار حیف باشد که دستگاه بخار که باعث رونق عموم صنایع و مایه تحصیل اغلب منافع است، با آن سهولت مأخذ در ایران متداول نشود و بیايد دانست که در کل ممالک روسیه ضرابخانه منحصر به پترزبورگ است»^{۲۷}

رضا قلی میرزا هم که در طول سفر خود به انگلستان از شهرهای بسیاری عبور کرده بود، درباره « بندر فالموث (فالمس)» می‌نویسد: « و فالمس خرابه ایست در کنار دریا بجهت مکانیت و ورود اخبار. چند خانه در اینجا ساکن میباشد گفتم سبحان الله در صورتی که خرابه این ولایت چنین باشد معموره اش چه خواهد بود.»^{۲۸}

بیان این نکته لازم می‌نماید که علاوه بر این کتاب، کتابی به نام جغرافیای عالم نیز در سال ۱۲۶۳ هـ ق به دستور بهمن میرزا نگارش یافت. این کتاب ارزشمند که در باره تاریخ اروپای جدید بود، بعد از ۱۰۰ سال از تاریخ نگارش آن به قلم «ادوارد برجس» و با استفاده از «فرهنگ‌های جغرافیایی معاصر اروپایی» به روز و به محمد شاه هدیه داده شد.^{۲۹}

جهان نمای جدید و سهم آن در شناخت اروپا

تمام صفحات جهان نمای جدید به بیان تاریخ و جغرافیای کشورهای ۵ قاره اروپا، آفریقا، آسیا و آمریکا و آسیانی می‌پردازد. به استثنای بعضی واژگان یا نام‌ها که برای خواننده ایجاد ابهام می‌کند، سایر بخش‌های آن با ادبیاتی روشن نگارش و در حقیقت برگردان شده است. مقصد اول کتاب درباره اروپا، مقصد دوم آسیا، مقصد سوم آفریقا، مقصد چهارم آمریکا و مقصد پنجم آسیانی است.

نخستین کشور اروپایی که در کتاب ذکر آن آمده، فرانسه است. « بدانکه فرانسه ملکیست وسیع و قدیم اشهر از اکثر بلاد وسعتش نهایت اشتها دارد و شهرتش کمال انتشار خاکیست بزرگ و فراخ

مشمول بر چشمه سار و رودلخ صحاری و براری آن بغایت مُبیت و محلّ محصولات و ذخایر و حبوبات و میوجات و موضع ایجاد و احداث نقره و سرب و مس و آهن است... و از جهه اینکه از یکطرف در مرکز اروپا واقع است امر تجارتش اسهل و معاملاتش با ممالک دیگر ایسر است... زمام اختیارش در کف پادشاهیست با اقتدار فرد نه بومی اندر آن رخنه که مویرا شود مسکن نه بامی اندران ویران که بومی را شود مأوا. و طرق سلوک پادشاه با رعیت و اهالی مملکت بقاعده و قانونیست که از ایام نخستین پادشاهان پیشین قرار داده اند از آن قانون و قاعده عدول نمی توانند نمود... و از قراریکه مساحان جهان پیما و مهندسان کره غیرا مشخص نموده اند طولاً از پنج درجه و پنجاه و شش دقیقه است الی هشت درجه و نه دقیقه و عرضاً از چهل و دو درجه و بیست دقیقه الی پنجاه درجه و پنج دقیقه است...»^{۳۰}

«جرمانیا» (آلمان امروزی) کشور دیگری است که در جهان نما از آن یاد می شود. درباره شهر «همبورغ» یا همان هامبورگ امروزی می نویسد: «محالیست بسیار محقر و شهر آن به همبورغ منحصر شهریست کوچک قصبه مانند سه هزار نفر جمعیت آنست و از اینکه درین محال معدن آهن و زغال سنگ است و باهل آنجا هم پادشاهان ممالک دیگر دخالت نمی نمایند علیحده اسم برده شد تا معلوم شود...»^{۳۱}

ایتالیای آن عصر نیز در جهان نما مورد مطالعه قرار گرفته است. «... حدوداً از جانب شمال محدود است بکوه آلپ که حد و فاصله ما بین کونته در آسین زویدسر و مملکت نمسه است و از جانب مشرق مملکت نمسه و بحر آوریاتیک که شعبه از شعبات بحر سفید است و بحر یونیا که هفت جزیره در آنست و در حمایت دولت انگلیس است... و از جانب جنوب بحر مدی ترانه و از جانب مغرب همین بحر مدی ترانه و همان کوه که در اینجا ما بین مملکت ایتالیا و مملکت فرانسه حد و فاصله است و این مملکت ایتالیا نیز مشتمل است بر چند قسم بعضی پادشاه نشین است و بعضی شاهزادگانند و برخی جمهور که بر هفت دایره قرار داده شد.»^{۳۲}

یکی از مواردی که در این کتاب دیده می شود، جدول هایی است که دانشی از آمار نیروی نظامی در نواحی مختلف، رودخانه ها، دریاچه ها، کشتی ها، بنادر و لنگرگاه ها، ارتفاع کوه ها، بازرگانی و غیره از سرزمین های اروپایی بدست می دهد. دو نمونه از این جدول ها در زیر نشان داده شده است.

انجمن بطور آن داشت در آنجا سی و پنج سیم او را از غفلت تو دور کردند
 فردا در جشن بود و حال سلطان در شرفی و شکست و در دولت که در آنجا
 در می مردم و در صبح که آسود ، از امر حاشی تو چنین گشت است

بدول خدا و توفیق رحمت و طهارت و شکرانه است

خداوند	کرور	تقری	دایات
۶	۶۰۰۰۰۰	کرور	قران
قران	۶۰۰۰۰۰	۶	۱۰۰۰۰۰

بدول آیین انصاف و خدایا و خداوند جان
 خدای سباه که ای بر کوه تپه

بگسل	پاک نام	سپه پنا	پرسوگ	کریمه	نظر
پیشانی	کوه	پراگات	بگ نام	جزایر	کوه
پهلوان	پهلوان	پهلوان	پهلوان	پهلوان	پهلوان

و خدای کاش
 باستان
 آتات لیلانی
 اوست لیلانی
 خدای کوه
 خدای کوه

ایالت های مملکت روسیه

در خاک روسیه کوچک	در خاک روسیه بزرگ
کیتو	کوشن
چرخ کوه	اکویر پشته
پلنا و	خوینا
خاک کوه	خاک کوه
شهر ایست	شهر ایست
وینت	وینت
کوتو کوه	کوتو کوه
دینیت	دینیت
میتیلو	میتیلو
میت	میت
ولینی	ولینی
پدی	پدی
بیلانشق	بیلانشق
اوتورج	اوتورج

ایالت های مملکت و خاک سبیر روسیه

ایالت های مملکت روسیه

در توصیف مملکت «پورتقال که پورتکز هم مینامند» می‌نویسد: «... این مملکت را چهل و چهار شهر است بزرگ و کوچک و شهر اول و معظم آن را پای تخت است لیزبنا (لیسبون) (Libson) مینامند شهریست خوب و معمور و دویست و شصت هزار نفر جمعیت را محصور در تاریخ سنه ۱۷۵۵ مسیحی احتراقی دست داده و اکثر از عمارات و بناهای قدیم محترق کرد مگر قلبی از آن که باقی مانده بود بعد از آن مجددا ساخته شده و بنا کرده‌اند نیست به عمارات و بناهای سابق زیاده از آنچه متصور شود و با سلیقه تر و مرغوب‌تر ساخته شده بسیار عمارات خوب و کوچ-های با نظام و قاعده و اسلوب بنا شده است علی‌الخصوص عمارات پادشاهی که در نهایت شهرت و غایت روح و نزهت است...»^{۳۳}

مطالب ذکر شده گویای این امر است که نویسندگان جهان نما این کتاب را از برگردان آثار اروپایی بدست داده‌اند، چرا که تا این زمان تنها در چند سفرنامه می‌توان دانشی آن هم درباره کشورهای معدودی از اروپا و بیشتر انگلستان مشاهده نمود.

صنایع، کتابخانه، بیمارستان و مدرسه از جمله مواردی است که در جهان نمای جدید به آنها اشاره می‌شود. به عنوان نمونه در جایی از کتاب مزبور، نویسنده درباره «جمهور فرنکفرت» (Frankfort) می‌نویسد: «این ملک را شهرهای کوچک بسیار است لیکن شهر بزرگ آن را که محل توقف جمهور است فرنکفرت می‌نامند شهریست خوب و دل‌پذیر و از حیثیت ازدیاد صنعت و بازرگانی بی‌نظیر مجمع و منبع صنایع غریبه است شصت هزار نفر جمعیت در آن ساکن... و از آثار و ابنیه معظم و مرغوب آن سه باب کلیسای مشهور و دو باب دارالشفای بزرگیست و یک باب کتابخانه و دو مدرسه که یکی مختص اطبا و جراحانست و دیگری بجهت تعلیم علوم...»^{۳۴}

در کتاب فوق از سرزمین‌هایی هم که زیر سلطه کشور روسیه است یاد شده و شرحی کوتاه نیز در توصیف آنها بیان می‌کند. سن پترزبورگ به عنوان مهم‌ترین شهر روسیه در این اثر مورد توجه بوده و شرحی مفصل را درباره ساختمان‌ها، بناهای مهم و موقعیت شهری به خود اختصاص داده است. از جمله بناهای بزرگ آن «میدان‌های آنست اگرچه میدان بسیار دارد» و سپس به نام شماری از آنها اشاره می‌کند. «میدان پیش روی عمارت زمستانی امپراطوری»، «میدان پیش روی عمارت امپرونه» و لیدان [میدان] اسحاق» از جمله آن میدان‌ها هستند.^{۳۵}

در بخشی از کتاب که شرایط آن روز هندوستان شرح داده می‌شود، نیم‌نگاهی نیز به حضور انگلیسیان در آن کشور افکنده شده و گاه از عواقب ناگوار این چیرگی نیز یاد می‌شود. به عنوان

نمونه آنجا که از شهرهای مختلف هندوستان می‌گوید، به شهر «آرگت» که می‌رسد چنین می‌نویسد: «... در ایامی که که نواب کارناتیک کوچک درین شهر حاکم بود این شهر بسیار آباد و معمور و مشهور بود و قلعه داشت بسیار محکم لیکن بعد از استیلای انگلیس آنقلعه را بکلی خراب کردند که حال غیر مسکون است و از جمعیت شهر نیز بسیار کم شده که اکثرش خرابه است».^{۳۶}

در جهان نما در مقابل آنچه از ویرانی‌های بعد از سلطه انگلیسیان در هندوستان بیان می‌شود از بنارس (مذهبی‌ترین شهر هندوستان و مقر بودا) و پیشرفت آن بعد از سلطه استعمارگران نیز مطالبی را خاطر نشان می‌کند. «از چهره کثرت زائرین فقراء بسیار در این شهر است و بعد از تصرف انگلیس این شهر بسیار ترقی کرده و بر تجارتش افزوده» شده است.^{۳۷}

از دیگر مواردی که در جهان نما بدان پرداخته شده است: «مجلس شورای اعظم ملکی و دولتی که به زبان انگریز به آن پارلمنت می‌خوانند، مدرسه بزرگ آکادمیا و آن مجمع جمیع علوم و و صناعات است و عده ی شاگردان آن به ۷۴۴۶ نفر می‌رسد، دیگر سی و هشت کتابخانه که اعظم آنها کتابخانه خاص پادشاهی است و متجاوز از دو کرور کتاب در فنون مختلف در آن موجود و نیز سه باب مدرسه که همواره دویست و بیست و پنج هزار و پانصد نفر اشخاص متعلم به تدریس و تعلم اشتغال دارند».^{۳۸}

در توصیف «مملکت ساکس» توضیح کوتاهی ارائه می‌دهد. «و سایر علایم و ابنیه این شهر^{۳۹} که معظم و مشهور باشد هجده کلیسا و یک قورخانه و تماشاخانه وسیع و شش باب مکتب و تعلیمخانه که در آنها علوم مهندسی و جراحی و حکمت و نظام و مشق توپخانه تعلیم میشود و دو کتابخانه که یکی مخصوص پادشاه و دولتست و دیگری بجهه عامه رعیت...».

جهان نما بسیار گسترده به توصیف ممالک پنج قاره پرداخته و از آنجا که سخن اصلی ما در این نوشتار تأثیر آن بر شناخت مردم ایران از اروپا بوده است، به همین مختصر اکتفا نموده و سخن را پایان می‌دهیم. همانگونه که بیان شد جهان نما به تاریخ و جغرافیای اروپا نگاهی ویژه داشته و تا حدّ ممکن به بیان متونی در این باره پرداخته است. بیشتر کشورها و شهرهای اروپایی، نیز سایر کشورهای قاره‌های دیگر مشمول این نگاه شده است. آنچه اهمیت دارد نگاه این کتاب به تاریخچه سرزمین‌های مختلف بود که به لحاظ ثبت مکان‌های جغرافیایی، رویدادها و روایت‌های تاریخی می‌توانست چه در آن زمان و در زمان کنونی برای پرسشگران تاریخ جهان، منبعی مفید به حساب آید.

نتیجه گیری

برگردان به عنوان یکی از راهکارهای فرهنگی برای آشنایی جوامع با یکدیگر در طول سالیان متوالی از ارزش والایی برخوردار بوده است. در طریق شناخت ایرانیان از اروپا نیز، برگردان سهمی قابل توجه داشت. جهان نمای جدید یکی از آثاری بود که با تلاش امیر کبیر با برگردان آثار مختلف درباره جهان جدید فراهم آمد و کتاب مزبور اخباری از فرهنگ، جغرافیا، تاریخ، جامعه، سیاست، اقتصاد، علوم، صنایع و تکنولوژی‌های نوین از برگردان آثار سایر ممالک برای خوانندگان ایرانی داشت.

در زمان قاجار نخستین گام‌ها برای برگردان آثار بیگانه به ویژه اروپایی برداشته شد، تا آنجا که در این زمینه شاهد کامیابی‌هایی نیز هستیم. اگرچه در آغاز راه مشکلاتی مانع فعالیت می‌شد، ولی تلاش افرادی چون امیرکبیر، باعث شد تا این حرکت در آینده ایران نقشی کارساز از خود بر جای گذارد. برگردان متون اروپایی توسط افرادی ماهر به فارسی انجام و در قالب آثاری برجسته ماندگار شد.

یکی از این آثار، کتاب جهان نمای جدید بود که به دستور امیرکبیر بعد از سفارت ارزنة الروم با برگردان ژان داود و نگارش میرزا محمد حسین فراهانی تدوین شد. تا جایی که برخی بر این باورند کتاب فوق نخستین اثر جامع به زبان فارسی درباره جغرافیای جهان است.

آنچه در جهان نما شاهدش هستیم متونی درباره تاریخ، جغرافیا، جمعیت، اقتصاد، علم، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها و موزه‌ها، صنایع، لشکر نظامی، بازرگانی، دین، بیمارستان، سیاست و غیره از کشورهای ۵ قاره اروپا، آسیا، آفریقا، آمریکا و آسیای است که با برگردانی روان و قابل فهم تدوین شد. بی گمان وجود چنین منبعی که از برگردان منابع مهم تاریخی و جغرافیایی اروپاییان گرد آمده، یکی از برجسته ترین اقدامات فرهنگی در راستای شناخت ایرانیان از اوضاع کشورهای اروپایی در آن دوره بود.

یادداشت‌ها:

- ۱- سرمد، غلامعلی، اعزام محصل به خارج از کشور (در دوره قاجاریه)، چاپ اول، تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲، ص ۵۸.
- ۲- ورهرام، غلامرضا، نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، چاپ اول، تهران: معین، ۱۳۶۷، ص ۱۹۲.
- ۳- آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۱۶۳.
- ۴- شیرازی، میرزا صالح، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی (کازرونی)، ویرایش، دیباچه، پانویس از همایون شهیدی، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشاراتی راه نو، ۱۳۶۲، ص ۳۴۸.
- ۵- همان، ص ۲۶۳.
- ۶- همان، ص ۳۶۱.
- ۷- همان، ص ۲۵۵.
- ۸- افشار، میرزا مصطفی [به قلم]، سفرنامه خسرو میرزا، به کوشش محمد گلین، تهران: کتابخانه مستوفی، ۱۳۴۹، ص ۱۸۶.
- ۹- همان، ص ۲۳۵.
- ۱۰- ناطق، هما، از ماست که بر ماست، چاپ سوم، تهران: آگاه، ۱۳۵۷، ص ۲۳۹.
- ۱۱- آدمیت، امیر کبیر و ایران، ص ۱۵۸.
- ۱۲- همان، ص ۱۸۸.
- ۱۳- امانت، عباس، قبله عالم (ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷-۱۳۱۳))، ترجمه حسن کامشاد، چاپ دوم، تهران: انتشارات کارنامه، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶.
- ۱۴- آدمیت، امیر کبیر و ایران، ص ۱۸۴؛ هویان، آندرانیک، «جهان‌نمای جدید نخستین اثر فارسی زبان جغرافیای جهان»، پیام بهارستان، د ۲، س ۲، ش ۶ زمستان ۱۳۸۸، ص ۵۹۳.
- ۱۵- هویان، آندرانیک، «جهان‌نمای جدید نخستین اثر فارسی زبان جغرافیای جهان»، کتابخانه ملی، خطی، شماره ۵۵، ص ۱۸۲.
- ۱۶- همان، ص ۱۸۹.
- ۱۷- همان، ص ۱۹.
- ۱۸- همان، ص ۲۰۳.
- ۱۹- همان، ص ۲۰۶.
- ۲۰- همان، ص ۲۱۶.
- ۲۱- حسینی، ابوالفتح حسن (مشهور به سلطان الواعظین)، تحفه الخاقانیه، تهران: نسخه دست‌نوشته متعلق به کتابخانه ملک، شماره ۱۲۴۴، الف ۹۸.

- ۲۲- شوشتری جزایری، عبداللطیف بن ابی طالب، تحفة العالم و ذیل التحفه، تصحیح صمد موحد، چاپ اول، تهران: طهوری، ۱۳۶۳، ص ۳۳۳.
- ۲۳- بهبهانی (آل آقا)، آقا احمد بن محمد علی، مرآة الاحوال جهان نما، با مقدمه و تصحیح و حواشی علی دوانی، چاپ اول، قم: مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۶۶.
- ۲۴- شیرازی، گزارش سفر میرزا صالح شیرازی (کازرونی)، ص ۲۷۸.
- ۲۵- ایلچی، ابوالحسن، حیرت نامه: سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن، به کوشش حسن مرسلوند، چاپ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۴، ص ۲۳۰.
- ۲۶- ایلچی، ابوالحسن، دلیل السفراء: سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی (ایلچی) به روسیه، به کوشش محمد گلبن، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷، ص ۸۵.
- ۲۷- افشار، سفرنامه خسرو میرزا، ص ۲۵۳.
- ۲۸- نایب الایاله، رضا قلی میرزا، سفرنامه رضا قلی میرزا، به کوشش اصغر فرمانفرمائی قاجار، چاپ سوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۳، ص ۳۳۲.
- ۲۹- امانت، قبله عالم (ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷-۱۳۱۳))، ص ۱۲۶.
- ۳۰- جهان نمای جدید، ص ۱۳.
- ۳۱- همان، ص ۳۰.
- ۳۲- همان، ص ۶۴.
- ۳۳- همان، ص ۷۷.
- ۳۴- همان، صص ۳۳-۳۲.
- ۳۵- همان، صص ۱۲۱-۱۲۰.
- ۳۶- همان، صص ۲۷۹-۲۷۸.
- ۳۷- همان، ص ۲۶۳.
- ۳۸- همان، ص ۱۸۶.
- ۳۹- همان، ص ۳۹.